تازه‌های نشر

«گفتارهایی درباره عقل، روح، نفس و قلب» روانه بازار نشر شد

کتاب «گفتارهایی درباره عقل، روح، نفس و قلب» اثر حجت‌الاسلام محمدباقر شریعتی سبزواری به همت مؤسسه بوستان کتاب در ۲۱۶ صفحه منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران(ایبنا)، اثر پیش رو با در نظر گرفتن قرابت معنایی عقل، روح، نفس و فؤاد در ادبیات دینی، در پی فراهم کردن زمینه برای بیان تفاوت مفاهیم و چگونگی رابطه فیزیکی و متافیزیکی هر یک از آن‌ها با دیگری است.

کتاب حاضر در ۱۲ گفتار تألیف شده؛ در گفتار نخست به کلیات درباره عقل، روح، نفس، قلب، فؤاد و صدر پرداخته شده است.

نویسنده در گفتار دوم به «جایگاه عقل در اسلام و نظام و عقل‌گرایی به نام دین» اشاره کرده و در این راستا به دیدگاه شهید مطهری نیز در خصوص این مسئله می‌پردازد.

سومین گفتار از این اثر با عنوان «عقل از نظر وجودشناسی و معرفت‌شناسی» ضمن تبیین جایگاه عقل در حوزه معارف بشری، به مبحث «قلب و عقل‌گرایی» اشاره کرده است.

«نفس و مفاهیم مربوط به آن» عنوان گفتار بعدی است که در آن، راه‌های شناخت و اثبات نفس و همچنین چگونگی ارتباط نفس و بدن تشریح شده و به تبیین دیدگاه مکتب تفکیک درباره روح و عقل و نفس پرداخته و ترکیب انسان از روح و بدن مورد بحث و بررسی قرار گرفته.

سپس به مناظره طبیب هندی و امام صادق(ع) نیز اشاره شده و در پایان این گفتار بقای روح در کتاب‌های آسمانی به رشته تحریر در آمده است.

در گفتار پنجم نیز «چیستی حقیقت آدمی» تبیین شده و مباحثی با عنوان‌های «عقل در کتاب و سنت» و «عقل در جایگاه حجت باطنی خدا» آمده است. مراحل آفرینش انسان و تعبیرات مختلف عقل در احادیث، از مباحث ششمین گفتار این اثر با عنوان «وحدت نفس و روح» است.

گفتار بعدی به «چگونگی گشوده شدن معمای روح و نفس» پرداخته و «ماهیت عقل و روح و رابطه آن دو» در گفتار هشتم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و ضمن تبیین مبحثی به عنوان روح و قوای آن، از عقل به عنوان اولین مخلوق خدا یاد شده و کاربردهای عقل، تشریح و همچنین گفتار روح و نفس و عقل بیان شده است.

در نهمین گفتار از این اثر که به چگونگی رابطه نفس و بدن اختصاص یافته، ضمن بیان تجرد نفس در نگاه ابن‌سینا به ارتباط نفس و بدن از نظر ابوعلی سینا و در گفتار هشتم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و ضمن تبیین مبحثی به عنوان روح و قوای آن، از عقل به عنوان اولین مخلوق خدا یاد شده و کاربردهای عقل، تشریح و مباحث ششمین گفتار این اثر با عنوان «وحدت نفس و روح» است.

گفتار بعدی به «چگونگی گشوده شدن معمای روح و نفس» پرداخته و «ماهیت عقل و روح و رابطه آن دو» در گفتار پنجم نیز «چیستی حقیقت آدمی» تبیین شده و مباحثی با عنوان‌های «عقل در کتاب و سنت» و «عقل در جایگاه حجت باطنی خدا» آمده است. مراحل آفرینش انسان و تعبیرات مختلف عقل در احادیث، از مباحث ششمین گفتار این اثر با عنوان «وحدت نفس و روح» است.

نکته‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین ناصری

با انجام این دو تمرین در رجب، آماده ماه رمضان شوید

ما غافلیم از زمان عقب هستیم. ماه رمضان می‌آید و روزه برای ما واجب می‌شود. اگر روزه بگیریم، در اواخر ماه رمضان احساس سبکی می‌کنیم! احساس انس با روزه می‌کنیم؛ چرا؟

برای اینکه از نظر حال معنوی، تازه داریم وارد ماه رمضان می‌شویم، گاهی این قدر اشتغال داشته‌ایم که پس از گذشت روزهایی از ماه مبارک رمضان، هنوز وارد ماه رمضان نشده‌ایم.

اگر انسان زودتر از ماه رمضان، یعنی از ماه رجب و شعبان شروع کند، امید است با فرا رسیدن ماه رمضان، وارد ماه رمضان شود؛ لذا بهراش خیلی بالا می‌رود.

شایسته است اگر یک سال این گونه نشد، در سال بعد زودتر شروع کرد تا بارهای سنگین از دوش انسان پایین بیاید، آن وقت لذت ماه رمضان از همان اول ماه حس می‌شود و زمینه درک شب قدر فراهم خواهد شد.

از ماه رجب دو کار را باید تمرین کرد؛ یکی روزه است. روزه ماه رجب خیلی پررکبت است، این روزه را ماه رجب خیلی تناسب دارد، منتها نه آن قدر که خستگی بیاورد. حداقل یکی دو روز فاصله بینش باشد خوب است.

هر کسی طبق توان و ظرفیت خودش عمل کند. انسان در ماه رجب به‌گونه‌ای روزه بگیرد که در ماه شعبان هم بتواند ادامه بدهد و برای ماه رمضان آماده‌تر باشد.

دیگری، قرآن خواندن است. حداقل حداقل کار آن، این است که در ماه رجب، روزی یک جزء قرآن و در ماه شعبان دو جزء، و در ماه رمضان سه جزء، بخواند.

ولی اگر خدا به کسی توفیق داد، در ماه رجب، دو جزء، در ماه شعبان سه جزء، و در ماه رمضان پنج تا هفت جزء بخواند.

بعضی‌ها در ماه رمضان تا ۱۰ جزء، هم می‌خوانند که بستگی به توان و استعداد دارد. اگر در سال اول نشد، در سال دوم می‌شود ان شاء‌الله.

ما شاید جزو کسانی باشیم که اگر ماه رجب را مشغول باشیم و ماه شعبان هم حواسمان باشد شاید بتوانیم ماه رمضان را از اوایل پیدا کنیم. ما باید کار کنیم تا از ماه رمضان عقب نباشیم.

خدمت و نعمتی که مورد شکر و سپاس قرار نگیرد همانند خطایی است که غیرقابل بخشش باشد.

نیم‌نگاه

تأملی در پیامدهای نادیده گرفتن هویت جمعی زن در اسناد بین‌المللی

نگاه غربی زن را بدون خانواده می‌خواهد

رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف بانوان با اشاره به فاجعه آمیز بودن نگاه غرب به مسئله زن، خطاب به بانوان عالم و دانشمند فرمودند: «یکی از کارهای مهم شما همین است که فاجعه آمیزی نگاه فرهنگ غربی به مسئله جنسیت و مسئله زن را افشا کنید».

رسانه KHAMENEI.IR در سومین مطلب از پرونده غرب از زبان غرب، به مسئله غیبت خانواده در اسناد بین‌المللی حوزه زن پرداخته که گزیده‌ای از آن را از نظر می‌گذرانید.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، سند توسعه هزاره ۲۰۱۵، سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، میثاق‌های بین‌المللی؛ این عناوینی که فهرست شده تنها نام برخی از اسناد بین‌المللی با شعار حمایت از حقوق بشر و به‌طور خاص حمایت از جنس زن است. این اسناد بخشی از بازار لیبرال دموکراسی غرب برای دفاع از زن است اما حالا با چند دهه اجرای چنین قوانینی در جوامع، امروز زن در دنیای غرب در کدام نقطه ایستاده است؟ واضح است برای حمایت از زن ابتدا باید درک درستی از هویت او و نقش‌های متعدد و چالش‌هایی که تجربه می‌کند، داشت. از بین نقش‌هایی که زن به عهده دارد، مادری کردن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش مادر در باورهای دینی و اعتقادی، افسانه‌ها و اسطوره‌های تمام ملل جهان، جایگاه مهم و نفوذ عمیقی دارد که هرگز نمی‌توان از آن چشم پوشید؛ اما در همین نقطه می‌توان پرسش مهمی مطرح کرد: سکوت اسناد بین‌المللی در قبال نقش مادری به چه دلیل است؟ خانواده در غرب از چه اسناد قرار دارد؛ در حالی که تشکیل خانواده و ایفای نقش در آن، در فطرت خلقت قرار دارد و نمی‌توان به‌هیچ‌وجه انکارش کرد یا نادیده‌اش گرفت، اسناد بین‌المللی با اصل قرار دادن مرد، به‌دنبال آن هستند حقوق زن را همه آن چیزی تعریف کنند که مرد به‌طور غریزی یا به‌دلیل داستان؛ خانواده در غرب چگونه است؟ این گزاره هرگز به‌معنای نادیده گرفتن ظلم تاریخی به جنس زن نیست بلکه به‌دنبال بیان این مهم است که اگر زن در جوامع تحت ستم قرار گرفته، آیا مسیر اسناد بین‌المللی می‌تواند زن را به آن سال و حقوق اصلی اش بازگرداند؟ اگر زن در دوره جاهلیت در غرب و شرق تحت‌ستم بوده، امروز نیز با اسناد بین‌المللی مواجه است که همچنان تمایزات جنسیتی و نا دیده گرفته می‌شود؛ اما به‌طور گسترده در خصوص نحوه زیست جنسی او اظهارنظر می‌کنند!

نگاه غربی حاکم بر اسناد بین‌المللی همواره زن را از دریچه مردانه و جدا از هرگونه پیوندی میان جنس و ویژگی‌های جنسیتی نگریسته است، برابری، به‌ظاهر تنها دغدغه این اسناد است اما خبری از عدالت نیست. آیا در این آزادی و برابری که برای زن به ارمغان می‌آورند، تفاوت‌های خُلقی و خَلقی زنان و مردان اعمال و به اهمیت تبعیض مثبت به‌نفع زنان پرداخته شده است؟ آن‌هم زنانی که طبق همین شعار برابری، بیرون از خانه به اندازه مردان کار می‌کنند و وقتی نوبت به درون خانه می‌رسد، شغل دوم یعنی خانه‌داری و فرزندداری را شروع می‌کنند. بی‌آنکه این اسناد بین‌المللی درباره نقش‌های درون خانواده که اصلی‌ترین نقش‌های منطبق بر جنسیت زنانه است، سخنی به‌میان آورده باشند. به‌طوری که می‌توان گفت برخی بندهای معاهدات بین‌المللی، جایگاه زن را تحت شریک جنسی صرف تنزل داده و برداشتن هرگونه قید از این موضوع را تجویز به حقوق زن کرده‌اند!

یکی از مصادیق برابری برای غرب، حق اشتغال زنان و بهره‌مندی از موقعیت یکسان و برابر در محیط کار است که اسناد بین‌المللی همیشه به آن اشاره می‌کنند. این موضوع گرچه فاصله مردان و زنان را در محیط و وضعیت کاری کم کرده و ساعت کاری زنان را به اندازه مردان طولانی کرده اما به همان نسبت روابط مادر و فرزند سرد شده و دیگر وقتی برای رسیدگی به کودکان نمانده است. تلاش‌ها برای برابری درحالی است که مادری کردن جزئی از فطرت زنانه است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اولویت‌یافتن شغل و درآمد به نقش مادری در حدی است که باب جدیدی در ارائه خدمات باعنوان خدمات مراقبتی از کودکان در سیاست‌های رفاه جوامع غربی گشوده شده است. سیاستی که اگرچه در ظاهر فریبنده و به‌دنبال کریمانه جلوه‌دادن رفتار دولت‌هاست، اما در عمل نشان از نگاه دست‌چندمی به مسئله تربیت کودک و بی‌اهمیتی آن در نزد چنین جوامعی دارد.

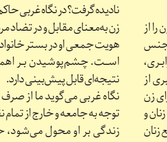

دیدگاه سرمایه‌داری از توجه به مادر و نقش مادری عوایدی به جیب نخواهد زد؛ اما زن در نقش نیروی کار که در بسیاری از جاها نیروی کار ارزان نیز شمرده می‌شود، کاملاً در جهت تأمین منافع آن است.

غرب تغییرات گسترده‌ای را در نگاه به زن تجربه کرده‌است. انقلاب جنسی که نامش را زیاد شنیده‌ایم، نقش‌ها را تغییر داد. زنان بازنده این تغییر نقش‌ها بودند و کمرنگ‌شدن نهاد اصلی خانواده مهم‌ترین حاصل این تغییر قوانینی در جوامع، امروز زن در دنیای غرب در کدام نقطه ایستاده است؟ واضح است برای حمایت اززن ابتدا باید درک درستی از هویت او و نقش‌های متعدد و چالش‌هایی که تجربه می‌کند، داشت. از بین نقش‌هایی که زن به عهده دارد، مادری کردن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش مادر در باورهای دینی و اعتقادی، افسانه‌ها و اسطوره‌های تمام ملل جهان، جایگاه مهم و نفوذ عمیقی دارد که هرگز نمی‌توان از آن چشم پوشید؛ اما در همین نقطه می‌توان پرسش مهمی مطرح کرد: سکوت اسناد بین‌المللی در قبال نقش مادری به چه دلیل است؟ خانواده در غرب از چه اسناد قرار دارد؛ در حالی که تشکیل خانواده و ایفای نقش در آن، در فطرت خلقت قرار دارد و نمی‌توان به‌هیچ‌وجه انکارش کرد یا نادیده‌اش گرفت، اسناد بین‌المللی با اصل قراردادن مرد، به‌دنبال آن هستند حقوق زن را همه آن چیزی تعریف کنند که مرد به‌طور غریزی یا به‌دلیل داستان؛ خانواده در غرب چگونه است؟ این گزاره هرگز به‌معنای نادیده گرفتن ظلم تاریخی به جنس زن نیست بلکه به‌دنبال بیان این مهم است که اگر زن در جوامع تحت ستم قرار گرفته، آیا مسیر اسناد بین‌المللی می‌تواند زن را به آن سال و حقوق اصلی اش بازگرداند؟ اگر زن در دوره جاهلیت در غرب و شرق تحت‌ستم بوده، امروز نیز با اسناد بین‌المللی مواجه است که همچنان تمایزات جنسیتی و نا دیده گرفته می‌شود؛ اما به‌طور گسترده در خصوص نحوه زیست جنسی او اظهارنظر می‌کنند!

نگاه غربی حاکم بر اسناد بین‌المللی همواره زن را از دریچه مردانه و جدا از هرگونه پیوندی میان جنس و ویژگی‌های جنسیتی نگریسته است، برابری، به‌ظاهر تنها دغدغه این اسناد است اما خبری از عدالت نیست. آیا در این آزادی و برابری که برای زن به ارمغان می‌آورند، تفاوت‌های خُلقی و خَلقی زنان و مردان اعمال و به اهمیت تبعیض مثبت به‌نفع زنان پرداخته شده است؟ آن‌هم زنانی که طبق همین شعار برابری، بیرون از خانه به اندازه مردان کار می‌کنند و وقتی نوبت به درون خانه می‌رسد، شغل دوم یعنی خانه‌داری و فرزندداری را شروع می‌کنند. بی‌آنکه این اسناد بین‌المللی درباره نقش‌های درون خانواده که اصلی‌ترین نقش‌های منطبق بر جنسیت زنانه است، سخنی به‌میان آورده باشند. به‌طوری که می‌توان گفت برخی بندهای معاهدات بین‌المللی، جایگاه زن را تحت شریک جنسی صرف تنزل داده و برداشتن هرگونه قید از این موضوع را تجویز به حقوق زن کرده‌اند!

یکی از مصادیق برابری برای غرب، حق اشتغال زنان و بهره‌مندی از موقعیت یکسان و برابر در محیط کار است که اسناد بین‌المللی همیشه به آن اشاره می‌کنند. این موضوع گرچه فاصله مردان و زنان را در محیط و وضعیت کاری کم کرده و ساعت کاری زنان را به اندازه مردان طولانی کرده اما به همان نسبت روابط مادر و فرزند سرد شده و دیگر وقتی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مظفر سالاری

نویسنده حوزه ادبیات دینی و اثر «مرا با خودت ببر»

جای معنویت و حیات طیبه در جهان رمان خالی است

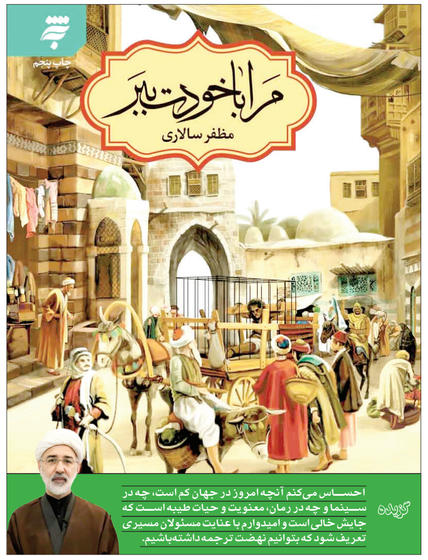

احساس می‌کنم آنچه امروز در جهان کم است، جه در سینما و چه در رمان، معنویت و حیات طیبه است که جایش خالی است و امیدوارم با عنایت مسئولان مسیری تعریف شود که بتوانیم نهضت ترجمه داشته باشیم.

داستانی درباره حضرت جواد الائمه(ع) که سراغ جوانی در دمشق می‌روند و او را با خودشان به زیارت خانه خدا و کربلا و نجف می‌برند و بعد وقایعی اتفاق می‌افتد و این جوان به اتهام ادعای معجزه دستگیر می‌شود؛ چراکه حکومت بنی‌عباس اصلاً نمی‌پذیرفته و نمی‌خواسته کرامات اهل بیت(ع) منتشر شود. این سوژه را استفاده کردم و سر بزنگاه، خداوند تقدیر کرد. شاید نگارش این کتاب پاداشی برای من بوده که حضرت ثامن‌الحجج(ع) به خاطر نگارش کتاب دعبل و زلفا به من عنایت کردند. پس از توسلی که داشتم توفیق نگارش این رمان مهم بدست آمد. به هر حال طرح را دادم و به‌نشر پذیرفت. قرارداد بستیم و دریک فرصت یک‌ساله، ۶ماه را صرف تحقیق و بررسی کردم. تحقیقاتی درباره حضرت جواد‌الائمه(ع)، مسائل آن روزگار، بغداد، دمشق و... تقریباً ۶ماه هم صرف نگارش رمان شد. خدا را شکر می‌کنم که داستان قشنگی شد. داستانی است که دو نقطه عطف دارد و این خود ساختار خوبی به داستان داده است. در این مدت به چاپ‌های متعددی هم رسیده که نشان می‌دهد خواننده‌گان آن را پسندیده‌اند.

■ نام کتاب چگونه انتخاب شد؟

مخاطب هنگام مشاهده یک کتاب با اولین چیزهایی که برخورد می‌کند جلد و نام کتاب است. از این رو جلد کتاب از حیث گرافیک و جذابیت بصری، مهم و به‌اصطلاح پیشانی کتاب است؛ اسم کتاب هم همین‌طور. بسیاری از رمان‌ها که از آن‌ها استقبال شده به خاطر اسمشان است. خود من هم روی این قضیه خیلی وسواس دارم و وقتی قرارداد یک رمانی را می‌بندم یک نام موقت برای آن در نظر می‌گیرم؛ بعد هنگام نگارش، اسم‌های متعددی که به ذهنم می‌آید را یادداشت می‌کنم و وقتی رمان تمام شد و حتی به دست انتشارات رسید، در مرحله ویراستاری و در مراحلی که دارند برایش جلد تهیه می‌کنند و درنوبت نهایی را برمی‌گزینم.

روش کارم هم این است که مثلاً از بین ۱۰ نامی که در نظر گرفتم به صورت سلبی اسم‌هایی را حذف می‌کنم تا به آن اسم نهایی می‌رسم. نامی هم که برای این رمان انتخاب شد به یکی از درونمایه‌های این رمان اشاره دارد مبنی بر اینکه اگر کسی این توفیق را پیدا می‌کند که به خدمت امام معصوم(ع) مشرف شود، مثل کسانی که به خدمت امام زمان(عج) مشرف می‌شوند، باید شرایط و صلاحیت‌هایی را هم داشته باشند تا این اتفاق بیفتد.

در ابتدای داستان «مرا با خودت ببر» نشان می‌دهیم ابراهیم - شخصیت اول این رمان- چه شخصیت ویژه‌ای دارد که در نقطه مقابل اول داستان حضرت جواد(ع) برای دیدن او از مدینه به دمشق می‌آیند و او را با خودشان به یک سفر معنوی می‌برند.

این حدیث نفس خیلی هاست که آرزو دارند با اعمال صالحی که انجام می‌دهند و با ارتباطی که با امام معصوم(ع) دارند، حضرت اجازه دهند شیعیانشان ایشان را زیارت کنند و ببینند و سپس نقطه طلایی‌اش که از والاترین آرزوهاست این است که حضرت آن‌ها را با خودشان به یک سفر معنوی ببرند. در طول تاریخ شیعه بعضی‌ها به مورد دوم مفتخر شده‌اند که حضرات معصومین(ع) آن‌ها را به دلایلی از دنیا بیش از ۳۰ سال همراه خودم داشتم افتادم و گشتم و توی کاغذهایم پیدایش کردم.

■ اکنون که بیش از ۱۰هزار جلد از این کتاب فروخته شده، چه بازخوردهایی به شما رسیده که برای خودتان جالب و جذاب بوده است؟

بازخوردها از نظر من فوق‌العاده اهمیت دارند و مثل نوری هستند که از یک آینه منعکس می‌شود؛ چراکه برخی از کتاب‌ها مثل نوری هستند که به آینه وجود مخاطب فرستاده می‌شود مقدار زیادی از این نور توسط وجود خود مخاطب جذب می‌شود و مقداری هم شاید داستان و شما نتوانستید به این کتاب وحدت دهید. خوب که فکر کردم دیدم حرفش درست است. من به خوانندگان توصیه می‌کنم اگر واقعاً به مطلبی خیلی دلگرم کننده است و ما را امیدوار می‌کند این راه را ادامه دهیم. ضمن اینکه نشانش می‌دهد چقدر مردم ما تشنه آثار معنوی و کتاب‌های خوبی هستند که به نیازهای معنوی آن‌ها پاسخ مثبت می‌دهند.

درباره «مرا با خودت ببر» بازخوردهای معمولاً مثبتی داشتیم. یک جلسه نقد کتاب هم توسط به‌نشر در مشهد برگزار شد و من از نزدیک به مشهد رفتم و در این جلسه شرکت کردم. آقای دکتر سعید طاووسی برای من مهم هستند؛ حالا چه از خوبی‌های کارگوبنده و چه از ضعف‌های احتمالی‌اش. چون نظر مخاطب برای من صائب است و آن‌ها اشتباه نمی‌کنند.

ممکن است نتوانند مثل یک منتقد توضیح دهند که چه می‌خواهند بگویند ولی می‌توانیم به برخی از ضعف‌هایی که در کارمان هست پی ببریم. مثلاً شخصی گفت انتظارآفرینی و کشش داستان در میانه داستان کم شده، یکی از خوانندگان گفت رمان شما دوپاره است و شما نتوانستید به این کتاب وحدت دهید. خوب که فکر کردم دیدم حرفش درست است. من به خوانندگان توصیه می‌کنم اگر واقعاً به مطلبی خیلی دلگرم کننده است و ما را امیدوار می‌کند این راه را ادامه دهیم، ضمن اینکه نشانش می‌دهد چقدر مردم ما تشنه آثار معنوی و کتاب‌های خوبی هستند که به نیازهای معنوی آن‌ها پاسخ مثبت می‌دهند.

درباره «مرا با خودت ببر» بازخوردهای معمولاً مثبتی داشتیم. یک جلسه نقد کتاب هم توسط به‌نشر در مشهد برگزار شد و من از نزدیک به مشهد رفتم و در این جلسه شرکت کردم. آقای دکتر سعید طاووسی برای من مهم هستند؛ حالا چه از خوبی‌های کارگوبنده و چه از ضعف‌های احتمالی‌اش. چون نظر مخاطب برای من صائب است و آن‌ها اشتباه نمی‌کنند.

ممکن است نتوانند مثل یک منتقد توضیح دهند که چه می‌خواهند بگویند ولی می‌توانیم به برخی از ضعف‌هایی که در کارمان هست پی ببریم. مثلاً شخصی گفت انتظارآفرینی و کشش داستان در میانه داستان کم شده، یکی از خوانندگان گفت رمان شما دوپاره است و شما نتوانستید به این کتاب وحدت دهید. خوب که فکر کردم دیدم حرفش درست است. من به خوانندگان توصیه می‌کنم اگر واقعاً به مطلبی خیلی دلگرم کننده است و ما را امیدوار می‌کند این راه را ادامه دهیم، ضمن اینکه نشانش می‌دهد چقدر مردم ما تشنه آثار معنوی و کتاب‌های خوبی هستند که به نیازهای معنوی آن‌ها پاسخ مثبت می‌دهند.

درباره «مرا با خودت ببر» بازخوردهای معمولاً مثبتی داشتیم. یک جلسه نقد کتاب هم توسط به‌نشر در مشهد برگزار شد و من از نزدیک به مشهد رفتم و در این جلسه شرکت کردم. آقای دکتر سعید طاووسی

■ جناب آقای سالاری، دوست دارید پس از امام رضا(ع) و امام جواد(ع)، درباره کدام یک از ائمه(ع) کتاب بنویسید؟

به‌تازگی دارم درباره حضرت خدیجه(س) فکر می‌کنم تا به طرحی برسم و درباره ایشان بنویسم. به ایشان به‌عنوان همسر محبوب پیامبر(ص)، ملکه بطحا و مادر گرامی حضرت زهرا(س) ارادت دارم و همیشه دلم می‌خواسته درباره ایشان کاری را انجام دهم. حالا امیدوارم خود ایشان دست مرا بگیرند و کمک کنند. خیلی دلم می‌خواهد درخصوص حضرت زهرا(س) و امام حسین(ع) نیز کار کنم. دوست دارم مسائل مربوط به حضرت سیدالشهدا(ع) از مدینه تا شهادت را روایت کنم که کار فوق‌العاده سختی است. اما خب کار نشدنی ندارد. پس از ایشان اگر این توفیق را پیدا کردم دوست دارم درباره حضرت هادی(ع) کار کنم چون امام دهم ما از همه مظلوم‌تر هستند. دوست دارم اگر حضرت حواله کنند درزمینه ایشان هم کار کنم.

■ قله و هدفتان در نویسندگی کجاست؟

آرزو دارم تا وقتی زنده‌ام بنویسم و همیشه هوش و حواسم طوری باشد که بتوانم بنویسم و آفرینش داشته باشم و می‌خواهم تمام سوژه‌هایی را که در دفتر سوژه‌هایم یادداشت کرده‌ام بنویسم. دلم می‌خواهد سوژه نانوشته‌ای را باقی نگذارم و روزی برسد که احساس کنم هرچه باید بنویسم را نوشته‌ام و به وظیفه خودم عمل کرده‌ام.

ولی بالاتر از جنبه‌های شخصی آرزوی من این است نویسندگان ما بتوانند جهانی شوند و آثارشان به دیگر زبان‌ها ترجمه شود و بتوانیم صادرات داشته باشیم و همه‌اش واردات نداشته باشیم. نویسندگان ما در سطح جهان مطرح و معروف شوند و آثارشان رانقطه عطفی در ادبیات داستانی باشد، چرا که احساس می‌کنم آنچه امروز در جهان کم است، چه در سینما و چه در رمان، معنویت و حیات طیبه است که جایش خالی است و امیدوارم با عنایت مسئولان مسیری تعریف شود که بتوانیم نهضت ترجمه داشته‌باشیم و آثار خوب توسط یک مرکز بین‌المللی به وسیله بهتر ترجمان به زبان‌های دیگر ترجمه شود و در اختیار دیگران قرار گیرد.

■ نظرتان درباره مسابقات کتاب‌خوانی چیست؟

بسیار کار مبارک و خوبی است و کمبودهایی را پر می‌کند. خیلی وقت‌ها مسابقه کتاب‌خوانی سبب می‌شود کتابی که مردم نمی‌شناسند دیده شود و آن را بخوانند و کتاب چاپ‌های متعددی بخورد و همین سبب می‌شود نویسنده تشویق و امیدوار شود که کارهای بعدی‌اش را بنویسد. هر پویشی خودش یک کتاب سال غیررسمی است. فکر می‌کنم اگر کسانی که این پویش‌ها را برگزار می‌کنند قابلیه کار خودشان معتقد باشند و اهمیت آن را دریابند بیشتر تلاش می‌کنند و از این نوع مسابقات کتاب‌خوانی بیشتر خواهیم داشت.

خالی رابه نحوشایسته ومطلوب پر کنم.

نکته دیگر اینکه ما مثلاً داستان علمی تخیلی داریم؛ یعنی براساس داده‌های علمی می‌توانید به تخیل خودتان تا بی‌نهایت با بذهید و اثری با عنوان رمان علمی تخیلی بدست می‌آید اما رمان دینی تخیلی نداریم؛ این به خاطر حساسیت‌هایی است که وجود دارد ونیاید کاری کنیم که مخاطب ما درباره آموزه‌های وحیانی و دینی دچار سوءتفاهم شود.

■ جناب آقای سالاری، دوست دارید پس از امام رضا(ع) و امام جواد(ع)، درباره کدام یک از ائمه(ع) کتاب بنویسید؟

به‌تازگی دارم درباره حضرت خدیجه(س) فکر می‌کنم تا به طرحی برسم و درباره ایشان بنویسم. به ایشان به‌عنوان همسر محبوب پیامبر(ص)، ملکه بطحا و مادر گرامی حضرت زهرا(س) ارادت دارم و همیشه دلم می‌خواسته درباره ایشان کاری را انجام دهم. حالا امیدوارم خود ایشان دست مرا بگیرند و کمک کنند. خیلی دلم می‌خواهد درخصوص حضرت زهرا(س) و امام حسین(ع) نیز کار کنم. دوست دارم مسائل مربوط به حضرت سیدالشهدا(ع) از مدینه تا شهادت را روایت کنم که کار فوق‌العاده سختی است. اما خب کار نشدنی ندارد. پس از ایشان اگر این توفیق را پیدا کردم دوست دارم درباره حضرت هادی(ع) کار کنم چون امام دهم ما از همه مظلوم‌تر هستند. دوست دارم اگر حضرت حواله کنند درزمینه ایشان هم کار کنم.

■ قله و هدفتان در نویسندگی کجاست؟

آرزو دارم تا وقتی زنده‌ام بنویسم و همیشه هوش و حواسم طوری باشد که بتوانم بنویسم و آفرینش داشته باشم و می‌خواهم تمام سوژه‌هایی را که در دفتر سوژه‌هایم یادداشت کرده‌ام بنویسم. دلم می‌خواهد سوژه نانوشته‌ای را باقی نگذارم و روزی برسد که احساس کنم هرچه باید بنویسم را نوشته‌ام و به وظیفه خودم عمل کرده‌ام.

ولی بالاتر از جنبه‌های شخصی آرزوی من این است نویسندگان ما بتوانند جهانی شوند و آثارشان به دیگر زبان‌ها ترجمه شود و بتوانیم صادرات داشته باشیم و همه‌اش واردات نداشته باشیم. نویسندگان ما در سطح جهان مطرح و معروف شوند و آثارشان رانقطه عطفی در ادبیات داستانی باشد، چرا که احساس می‌کنم آنچه امروز در جهان کم است، چه در سینما و چه در رمان، معنویت و حیات طیبه است که جایش خالی است و امیدوارم با عنایت مسئولان مسیری تعریف شود که بتوانیم نهضت ترجمه داشته‌باشیم و آثار خوب توسط یک مرکز بین‌المللی به وسیله بهتر ترجمان به زبان‌های دیگر ترجمه شود و در اختیار دیگران قرار گیرد.

■ نظرتان درباره مسابقات کتاب‌خوانی چیست؟

بسیار کار مبارک و خوبی است و کمبودهایی را پر می‌کند. خیلی وقت‌ها مسابقه کتاب‌خوانی سبب می‌شود کتابی که مردم نمی‌شناسند دیده شود و آن را بخوانند و کتاب چاپ‌های متعددی بخورد و همین سبب می‌شود نویسنده تشویق و امیدوار شود که کارهای بعدی‌اش را بنویسد. هر پویشی خودش یک کتاب سال غیررسمی است. فکر می‌کنم اگر کسانی که این پویش‌ها را برگزار می‌کنند قابلیه کار خودشان معتقد باشند و اهمیت آن را دریابند بیشتر تلاش می‌کنند و از این نوع مسابقات کتاب‌خوانی بیشتر خواهیم داشت.

در قاب رسانه

کارگردان مستند «ارامنه در ایران» در گفت‌وگو با قدس:

اقلیت‌ها، حافظ هویت فرهنگی ایران هستند

مهدیه قمری| ایران کشوری است که در هر کجای آن، پیروان ادیان مختلف در کنار مسلمانان زندگی می‌کنند و این زندگی مبتنی بر همزیستی خوبی است. این در حالی است که تعداد مستندهایی با موضوع زیست مردم با ادیان مختلف در ایران ساخته شده قابل توجه بوده اما شاید مستندهایی با محوریت همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان و اقوام در ایران کمتر ساخته شده باشد.

مستند «ارامنه در ایران» از جمله آثاری است که دقیقاً با محوریت همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان و اقوام در ایران تولید شده و چندی پیش به مناسبت سالروز میلاد حضرت عیسی مسیح(ع) در تقویم ارامنه و مسیحیان ارتدکس، به همت رایزنی فرهنگی کشورمان با همکاری دفتر نمایندگی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در بوستی و هرزگوین از تلویزیون این کشور پخش شد.

مصطفی موسوی تبار، کارگردان مستند «ارامنه در ایران» کارگردانی مجموعه مستندهای «وطنم»، «مهربانو»، «آیت‌الله»، «بی‌آبان» و «او یک بیابان بود» را در کارنامه خود دارد. او در گفت‌وگو با قدس از خاطرات ساخت این مستند می‌گوید که در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

■ مستند «ارامنه در ایران» چه تفاوتی با سایر مستندهایی که با این مضمون ساخته شده دارد؟

من دانش‌آموخته رشته ادیان هستم و همیشه این دغدغه را داشتم از وحدت ملی که میان مردم با ادیان مختلف است مستندی بسازم، زیرا علاوه بر اینکه زندگی قومیت‌ها و فرهنگ ایران مورد علاقه‌ام بوده، همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان و اقوام در ایران می‌تواند محور ساخت مستند قرار گیرد. این در حالی است که این مستند یکی از قسمت‌های مستند «وطنم» بود. مستند «وطنم» در هفت قسمت درباره ادیان و مذاهب ساخته شد و سری جدیدش ۱۴ قسمت است که هنوز ساخته نشده، البته این در سال‌های ۹۳ تا ۹۵ ساخته شد که دو قسمت آن مربوط به مسیحیان و عاشوریان است.

■ به جز موضوع محوری این مستند، چه ویژگی یا هنگام تولید در نظر گرفتید تا اثر هم برای مخاطب جذاب باشد هم بتواند پیام‌ها و مفاهیم این وحدت ملی را به مخاطب منتقل کند؟

در این اثر سراغ آدم‌هایی بزرگ هم قومیت رفتیم تا از زبان خودشان این همزیستی و وحدت ملی را به مخاطبان انتقال دهیم. از این رو در این مستند، لوریس چکاوریان آهنگساز برجسته کشورمان، کارن خانلری نماینده پیشین ارامنه در مجلس شورای اسلامی، اوشین ساهاکیان بستکالیست تیم ملی، اسقف اعظم گریگور چیقچیان خلیفه کل ارامنه آذربایجان و اسقف اعظم سیسوه سرکیسیان، اسقف اعظم ارامنه تهران و شمال ایران از پیشینه سکونت و آیین‌های ارامنه کشورمان و همزیستی مسالمت‌آمیز آنان در ایران سخن می‌گویند.

■ و با توجه به اینکه تجربه ساخت مستندهایی با موضوع زندگی مسلمانان و ادیان در ایران را دارید، آیا پس از پخش مستندهایتان در کشورهای مختلف با میزان استقبال یا واکنش مردم این کشورها به این گونه مستندها روبه‌رو شده‌اید؟

بله، سال گذشته یکی از دانشگاه‌های آمریکا برای دانشجویان رشته روان‌شناسی اقوام جلسات گفت‌وگویی برگزار می‌کرد که در این جلسات حضور داشتم و مستند «وطنم» را پخش کردم. این فیلم نشان از همزیستی جالب فرهنگ‌ها و اقوام داشت که برای دانشجویان و استادان این دانشگاه جالب بود؛ موضوعی که در آمریکا وجود ندارد و هنوز شاهد اختلاف سیاه‌پوست و سفیدپ